



حکمت الهی، مصدر همه علم هاست/ تفکیک بین علوم الهی و بشری خطاست

آیت الله سید محمد قائم مقامی گفت: تمییز و تفکیک بین علوم الهی و علوم بشری یک طبقه بندی غلط است. ما علوم را به درست و نادرست تقسیم بندی می کنیم نه به الهی و بشری.

آیت الله سید محمد قائم مقامی گفت: تمییز و تفکیک بین علوم الهی و علوم بشری یک طبقه بندی غلط است. ما علوم را به درست و نادرست تقسیم بندی می کنیم نه به الهی و بشری.

به گزارش خبرنگار مهر، یکی از مباحثی که در بحث تحول در علوم انسانی کمتر به آن توجه می شود این است که ما می گوئیم باید مبانی علوم سیاسی غربی یا جامعه شناسی غربی، اقتصاد و... تغییر کنند ولی خود اینکه ما از علوم سیاسی، جامعه شناسی، اقتصاد و... سخن می گوئیم مبتنی بر پذیرش یک نظام تقسیم بندی است که با مبانی غربی انجام شده است. به نظر می رسد قبل از بحث درباره تحول علوم حرف بزنیم پذیرفته ایم که نظام طبقه بندی علوم اینگونه باشد، در حالی که اگر تحول بخواهد به معنای عام خود رخ بدهد باید نظام طبقه بندی هم تحول یابد.

برای بررسی بیشتر این مسأله و موضوع تحول در علوم انسانی و بحث علم دینی با آیت الله سیدمحمد قائم مقامی به گفتگو نشستیم؛

دو مواجهه با علوم انسانی غربی

آیت الله قائم مقامی در مورد لزوم تحول در علوم انسانی گفت: معنی ندارد که علوم انسانی غرب پذیرفته شود که خلاف عقل و علم است. چند بحث در اینجا وجود دارد یکی این است که برای این تحول چه باید کرد؟ یک بحث این است که علوم انسانی کنونی حذف شود و ما از اول شروع کنیم. یک حالت هم نگاه نقادی است که بنده گرایش به این نگاه دارم. معتقدم که علوم بشری از صدر تا ذیل و حتی خود طبقه بندی علوم نیز می تواند مشمول نگاه نقادانه بشود.

وی ادامه داد: مفروض این دیدگاه این است که علوم انسانی متعارف که حاصل عقل و تجربه انسان است، مثل بقیه مقولاتی که حاصل عقل و تجربه است، مانند تکنیک و صنعت و ... مجموعه ای از درست و نادرست و ترکیبی از حق و باطل است. نه همه آن حق است و نه همه آن باطل است. معنی سخن این است که این پدیده باید نقادی شود و این نقادی ملاک و میزان نیاز دارد. ملاک و میزان آن نیز اسلام و حکمت الهی است. حکمتی که حاصل تعقل جامع و عمیق منقولات الهی است. با این میزان باید نقادی صورت بگیرد.

وی افزود: باید بخش های مثبت ایفا شود و بخش های منفی رد شود. ما در زمانی قرار داریم که باید به مسائل به تفصیل وارد شد. اگر بناسست چیزی رد شود باید جواب تفصیلی آن بر مبنای کتاب و سنت داده شود.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: علوم انسانی غرب به آن صورتی که در دانشگاه ها تدریس می شود، دیگر موضوعیتی ندارد و جای تأسف دارد که بعد از چهل سال از انقلاب وضعیت علوم انسانی اینگونه است.

وی ادامه داد: کتاب و سنت معدن حقایق و معارف و علوم و اسرار و معدن علم انسانی است. مسلم این است در آنجایی که بحث سیاست، اقتصاد، تاریخ و... مطرح است، اسلام در آنجا نظر و موضع دارد.

تفکیک بین علوم الهی و علوم بشری اشتباه است

آیت الله قائم مقامی گفت: البته تمییز و تفکیک بین علوم الهی و علوم بشری یک طبقه بندی غلط است. بعضی از دیدگاه ها این تقسیم بندی را می کنند. ما این را به درست و نادرست تقسیم بندی می کنیم نه به الهی و بشری. علم درست الهی است، علم نادرست، باطل است، نه الهی است و نه بشری.

علم دینی فهم عمیق و جامع منقولات الهی است

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: من علم دینی را فهم عمیق و جامع منقولات الهی یعنی کتاب و سنت می دانم.

منشاء همه حقایق و اسرار در کتاب و سنت است. این کتاب و سنت به صورت های مختلفی می تواند فهم شود. بهترین و درست ترین تفسیر کتاب و سنت تفسیر جامع و وعایی است. امیرالمومنین(ع) می فرماید عقلانیت تان نسبت نقل به وحی عقلانیت عمیق و جامع باشد، نه عقلانیت خبری. موضوع تعقل، خبر است ولی نحوه تعقل، خبری نیست. علم الهی، تعقل این خبر است. چه عقلی؟ تعقل جامع و عمیق، نه تعقل سطحی و خبری.

حکمت الهی مصدر همه علم هاست

وی افزود: این تعقل عمیق، منشاء و مصدر همه علوم است، زیرا از اینجا به بعد شما با حکمت الهی و تئولوژی روبرو می شوید. حکمت الهی مصدر همه علم هاست. پدیده ای مثل ایدئولوژی ها بعد از الهیات است. اول الهیات درست می شود و بعد ایدئولوژی می آید. این علم الهی است که ما آن را بشری نیز می دانیم. ما علوم را به بشری و الهی تفکیک نمی کنیم. اینگونه نیست قرآن، علم الهی باشد و فیزیک علم بشری. منشاء علم، عالم بالاست. آنچه درست است هم الهی است و هم بشری. آنچه که باطل و غلط است نه الهی است و نه بشری، بعضاً هم شیطانی است.

وی ادامه داد: ما کار مبسوط بر روی کتاب و سنت نیاز داریم. به فلسفه الهی موجود و مرسوم حتی مرحوم ملاصدرا و حتی شیخ اشراق برای مرحله کنونی و آینده کفایت نمی کند؛ معتقدم ما به سویی داریم می رویم که انسان ها رفته رفته به سمت درک کتاب و سنت و حکمت الهی می روند.

آیت الله قائم مقامی گفت: این نگاه در نسبت با علم های موجود، نه نفی کامل دارد و نه تأیید کامل بلکه حالت نقادی دارد. حدیث داریم که هر کس هر حرف درستی را بزند و هر علم درستی را از خود صادر کند چه بداند و چه نداند این علم از حضرت علی(ع) است یعنی یک جلوه از امیرالمومنین در او ظاهر شده است.

وی ادامه داد: کسی که الان در تاریخ، روانشناسی یا فلسفه صحبت می کند چون با عقل جزئی خودش این کار را کرده ممکن است صواب یا خطا رود. عقل قدسی است که خطا ندارد و فقط صواب است.

آیت الله قائم مقامی گفت: باید به دستاورد عقل جزئی روی آورد و این دستاورد را با ملاکات عقل قدسی نقادی کرد. منطبق را گرفت و نامنطبق ها را رها کرد. لذا عقل قدسی یک میزان و ملاک است. عقل قدسی نیز آن عقلانیت منطبق با وحی است.

وی ادامه داد: دینداران باید کار کنند. اگر بخواهند تنبلی کنند، همه چیز جلو می افتد ولی او عقب است. یکی از خوبی های دنیای مدرن این است که انسان سرعت دارد و کار می کند و تولید می کند و ساکن نمی شیند. اگر به معدن متصل نباشد حرکت او دورانی است و به دور خود می چرخد و سرانجام می فهمد که باید به ریشه و اعماق باز گردد. متدبیین باید به آنچه موجود است اکتفا نکنند.

امام خمینی و رهبر انقلاب بزرگترین الگوی عملی و عینی جریان تحول در حوزه هستند

وی با اشاره به نقش حوزه های علمیه در مسئله علوم انسانی و لزوم تحول در حوزه برای تحقق این امر گفت: حوزه علمیه تحولات خاص خود را داشته و دارد. امام خمینی و رهبر انقلاب بزرگترین الگوی عملی و عینی جریان تحول در حوزه هستند. تحول در حوزه یعنی کاری که امام(ره) کرد. یعنی کسی که دقیقاً بر مبنای اصیل ترین مبانی سنتی و قدیمی جدیدترین حرف و راهکار را ارائه داد.

وی افزود: نه اینکه از ریشه ها و اصول دست برداشت. امام فرمود که فقه جواهری خودش جدید است به این معناست که اگر می خواهی حرف جدیدی بزنی لازم نیست از فقه جواهری دست برداری. اما اگر فقه جواهری را درست بفهمی خودش راهکاری است برای اینکه دائماً انسان به اجتهادهای جدید رو کند. لذا بزرگترین الگو خود امام بود.

وی ادامه داد: کاری که امام در مورد انقلاب اسلامی کردند از یک طرف ریشه در قدیمی ترین سنت های فکری و معرفتی و اعتقادی بشر داشت، به صورتی که قدیمی تر از آن وجود ندارد. یعنی سنتی های اصطلاحی حوزه به گرد این تفکر نمی توانند برسند. از طرف دیگر اجتهاد جدیدی که امام کرد و طرح جدیدی که آورد، جدیدترین تفکر الگوست و جدیدتر از آن وجود ندارد. تدوام نگاه امام اگر در حوزه وجود داشته باشد، تحول مد نظر رخ می دهد.

آیت الله قائم مقامی گفت: رهبر معظم انقلاب نیز مانند یک مجمع البحرین هستند. یک بحر سنت و مبانی سنتی قدیم

و ریشه دار است که به آن مبانی ابتدا دارند و از طرف دیگر ببینید چگونه به مسائل روز تسلط دارند به صورتی که از هر روشنفکر و مدرنیستی جلوترند.

وی در پایان گفت: ما ولایت را قدیمی ترین اندیشه جهان می دانیم یعنی اندیشه ای که به لحاظ زمانی تقدم بر قدیمی ترین اندیشه های جهان مانند حکمت شرقی داشته است. کماینکه همین اندیشه از دنیای مدرن جلو می زند و فرامدرن می شود.